



تعامل میان عقل و وحی از آغاز تا پایان مسیر معرفت ادامه دارد

رئیس پژوهشکده کلام اهل بیت(ع) دانشگاه قرآن و حدیث با بیان این که تعامل و دیالکتیک میان عقل و وحی از آغاز تا پایان معرفت ادامه دارد، اظهار کرد...

رئیس پژوهشکده کلام اهل بیت(ع) دانشگاه قرآن و حدیث با بیان این که تعامل و دیالکتیک میان عقل و وحی از آغاز تا پایان معرفت ادامه دارد، اظهار کرد: عقل بدون وحی در رسیدن به معارف متعالی و حقایق ناتوان است و با دستگیری وحی است که عقل به این معارف می‌رسد و وحی هم به عقل از آغاز تا پایان نیازمند است.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن(ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی، رئیس پژوهشکده کلام اهل بیت(ع) دانشگاه قرآن و حدیث در اولین نشست از سلسله نشست‌های کلامی که به همت مؤسسه آموزشی و پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و انجمن کلام حوزه علمیه امروز 15 اردیبهشت‌ماه در مؤسسه آموزشی و پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد، به ارائه نظریه‌ای درباره نسبت عقل و وحی پرداخت.

سبحانی درباره این نظریه که به بیان او سابقه آن به متکلمان اولیه اسلامی می‌رسد، گفت: این نظریه را که می‌توان آن را به مدرسه اهل بیت(ع) نسبت داد، بعدها تحت تأثیر معتزلیان و فیلسوفان تا حدود زیادی به حاشیه رفته است و از آن جهت که می‌تواند به دیدگاهی در کنار سایر نظریات مطرح شود، ما آن را از میان آثار و آرای گذشته استخراج کرده‌ایم.

وی در توضیح خود در باب این نظریه اظهار کرد: این نظریه از یک سو با دیدگاه معتزلیان و فیلسوفان اختلاف دارد و از سوی دیگر با دیدگاه سلفیه و اهل حدیث و کسانی که به نوعی با اساس عقل در حوزه معارف دینی به مخالفت پرداخته‌اند، همراه نیست و تلاش می‌کند راهی میانه را انتخاب کند که از سویی اعتبار عقل را در حوزه معارف دین نه تنها بپذیرد، بلکه جایگاه رفیع آن را در منظومه معرفت دینی تبیین کند و از سوی دیگر نیازمندی به وحی را در اندیشه‌ورزی عقلانی اعاده کند؛ چیزی که به نوعی در تمام نظریات مطرح نوعی پارادوکس به شمار می‌رود؛ یعنی اینکه کسی عقل را به استقلال معرفت‌شناختی بپذیرد و در همان حال اصرار داشته باشد که عقل در همین نظام معرفتی بی‌نیاز از وحی نیست.

ما می‌توانیم عقل را دارای حجیت استقلالی بدانیم و در عین حال بگوئیم که عقل بدون وحی نمی‌تواند راه‌های بلند معرفت را طی کند و این دیدگاهی است که در بین اندیشمندان شیعه امامی در سده‌های اولیه اسلام مطرح بوده است که ما نمی‌توانیم بدون این که عقل ما بر امری گواهی دهد آن را تصدیق کنیم و در عین حال عقل نیز نمی‌تواند بدون وحی و سمع به معارف دست پیدا کند

سبحانی با اشاره به یک پیش‌فرض اساسی همه نظریات مطرح در این زمینه گفت: همه این نظریات معتقدند که یا باید حجیت استقلالی عقل را پذیرفت و در آن صورت وحی را در حوزه اندیشه‌ورزی عقلانی به کناری نهاد و منتظر گذاشت و از طرف دیگر اگر بخواهیم به وحی تمسک کنیم باید عقل را هرچند به صورت نسبی، از حجیت ببندازیم. این پیش‌فرضی است که نظریات معروف در این موضوع را رقم زده و نظریه ما می‌خواهد این پیش‌فرض اساسی را بشکند.

این متخصص کلام اسلامی درباره نظریه‌اش به عنوان نظریه‌ای که می‌تواند اصالت عقل و نیازمندی به وحی را همزمان مورد تأیید قرار بدهد، بیان کرد: ما در عقل‌گرایی سنتی با اعتبار و حجیت یک سویه عقل، آن را مبنا قرار می‌دهیم و از طریق اثبات مبانی معرفتی دین و وحی وارد سایر اجزای معرفت دینی می‌شویم. در این رویکرد عقل زمانی به کار می‌آید که خدا را ثابت کرده است و حجیت کتاب مقدس و وحی را به اثبات رسانده است؛ اما این نظریه معتقد است که همگامی و تعامل میان عقل و وحی از آغازین مرحله و فرایند شناخت عقلانی تا نقطه پایان که حتی تعبد به مضامین وحیانی است دوشادوش در کنار هم حرکت می‌کنند.

وی افزود: هیچ نیازی نیست که ما در یک حوزه و آغاز حرکت، عقل را اصالت بدهیم و وحی را کنار بگذاریم و یا در پایان و با تمسک به وحی عقلانیت را کنار بگذاریم و با شعار تعبد بخواهیم متن مقدس را مبنای ایمان قرار بدهیم.

سبحانی با بیان این که تعامل و دیالکتیک میان عقل و وحی از آغاز تا پایان معرفت ادامه دارد، اظهار کرد: عقل بدون وحی در رسیدن به معارف متعالی و حقایق ناتوان است و با دستگیری وحی است که عقل به این معارف می‌رسد و وحی هم به عقل از آغاز تا پایان

وی درباره بخش اول این نظریه گفت: معمولاً اینگونه استدلال شده است که ما در اثبات وحی و در فهم متون دینی نیازمند به عقل هستیم و فارغ از اینکه چه تئوری داشته باشیم، بدون عقل نمیتوان پیام وحی را درک کرد و در مرحله اجرا هم بدون عقل نمیتوان وحی را در ساحت واقع تحقق بخشید و البته با پر رنگ شدن بخش اول، بخش دوم تا حدی کمرنگ خواهد شد.

رئیس پژوهشکده کلام اهل بیت(ع) دانشگاه قرآن و حدیث در تشریح بخش دوم یعنی نیازمندی عقل به وحی که عموماً اعتقاد بر استقلال معرفت‌شناختی عقل است، بیان کرد: مقدمه اول برای تبیین این مطلب این است که عقل حجت است و در حجیت خود هم استقلال دارد؛ بدین معنا که اگر چیزی معقول در پیش دید عقل گذاشته شود و عقل با نور خود آن را نظر کند بدون پشتوانه وحیانی آن را تصدیق می‌کند.

وی عدم منافات حجیت استقلالی عقل با نیازمندی آن به وحی در دستیابی به معرفت را به عنوان دومین مبنا در نظریه خود مطرح کرد و گفت: ما در اینجا باید دو مقام را برای معرفت عقلانی از هم تفکیک کنیم. يك مقام، مقام تصدیق به گزاره عقلی است؛ که حجیت استقلالی عقل مربوط به این مقام است. اما از این جهت که عقل در آغاز ورود به عرصه معرفت هیچ دریافت فطری ندارد نیازمند معلمی بیرونی برای اشاره به امر صحیح است.

سبحانی در پایان گفت: بنابراین ما می‌توانیم عقل را دارای حجیت استقلالی بدانیم و در عین حال بگوئیم که عقل بدون وحی نمیتواند راه‌های بلند معرفت را طی کند و این دیدگاهی است که در بین اندیشمندان شیعه امامی در سده‌های اولیه اسلام مطرح بوده است که ما نمی‌توانیم بدون این که عقل ما بر امری گواهی دهد آن را تصدیق کنیم و در عین حال عقل نیز نمیتواند بدون وحی و سمع به معارف دست پیدا کند.